



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۴/۰۵

عبدالقیوم میرزاده

کتاب

زنان

و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت بیست و نهم)

فیمینیسیم مارکسیستی

فیمینیسیم مارکسیستی در تحت شعاع اندیشه های کارل هاینریش مارکس Karl Heinrich Marx (۱۸۱۸ – ۱۸۸۳) متفکر، فیلسوف، جامعه شناس، شاعر، مؤرخ و اقتصاد دان آلمانی و فریدریش انگلس Friedrich Engels (۱۸۲۰ – ۱۸۹۵) فیلسوف کمونیست و همکار نزدیک کارل مارکس در دهه های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم یکی از پر نفوذترین حرکت های فیمینیستی اروپا و امریکا بود که تأثیر فراوان بر جنبش فیمینسم در راه پیروزی های چشمگیرش در جوامع ارو پایی داشتند. آزادی زنان در غرب، در واقع محصول تلاش های جنبش های فیمینستی اند که از اندیشه های مارکس – انگلس متأثر بودند و بستر تفکر این جنبش ها را شکل بخشیده اند. این طیف فیمینیست ها توجه بیشتر شانرا به خط مشئی دولت ها، رفاه انسان، چگونگی خانواده و شرایط کار معطوف داشته اند. فیمینیست های مارکسیستی با پیروی از آثار کارل مارکس که از سلسله طبقاتی مالکیت بر وسایل تولید و توزیع نا برابر ثروت بحث میکند، ستم جنسی را ستم طبقاتی میشناسند و در وجود نظام سرمایه داری یا بورژوازی رفع ستم جنسی را نا محتمل میدانستند. با وصف آنکه نظریات مارکس و انگلس امروز طرفداران زیادی در میان فیمینیست های جهان ندارد اما بخش اعظم نگرش های فیمینیسیم مدرن امروزی متأثر از همان نظریات جامعه شناسانه مارکس و انگلس بوده و موقعیت امروزی و دستآورد هایش را در جهان مدیون همان اندیشه ها میباشد. مارکس خودش فیمینیست نبود اما انقلاب سوسیالیستی را که مارکسیسم نوید میداد دقیقاً منجر به آزادی کامل زن میگردد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

بر اساس تیوری مارکس و انگلس این جوامع طبقاتی از برده داری تا سرمایه داری است که در آن همه انسانها منجمله زنان از جانب اقلیت برده دار، فیودال و صاحبان ثروت و سرمایه مورد استثمار یا بهره کشی قرار میگیرند که از یکطرف ثمره و حاصل نیروی کارش را برده دار، فیودال و سرمایه دار به جیب میزنند و از طرف دیگر بوسیله قدرت دولتی که در اختیار دارد حقوق و آزادیهای زنان را محدود ساخته و شخصیت شانرا تهدید میکند. این تیوری همچنان افزون خواهی بعضی از مردان در مناسبات اقتصادی، و شکل وراثت از پدر به فرزند را مسبب اصلی موقعیت نازل اقتصادی و موقعیت نازلتر اجتماعی زنان معرفی میدارند. زیرا در فرایند این تعامل، تبدیل شدن زن به ابزار تولید فرزندان بیشتر، و ملکیت قابل تصاحب مرد بود. به تصور انگلس، موقعیت نازل زنان در جامعه، محصول ظهور جامعه طبقاتی و ترویج مالکیت خصوصی است.

بر علاوه مارکس، انگلس میشل بارت در سال ۱۹۸۰ با نوشتن کتاب (ستم امروز بر زنان) کامل ترین توضیحات را در باره فیمینیسم مارکسیستی ارائه کرد. او در این کتاب بصورت مستدل توضیح داده است که استثمار زنان در جامعه سرمایه داری تنها ناشی از تفاوتی زیستی میان مردان و زنان و یا حسب ضرورت های سیستم سرمایه داری نبوده بلکه ناشی از عقاید و ایدئولوژی های مسلط بر جامعه نیز میباشد. این عقاید در فکر و ذکر مردم و خود زنان عجین شده که زنان فرودست مردان بوده و وظیفه اش همسری، مادری و یا همانند آن است. بارت در این کتاب توضیح میکند که رمز ستمدیدگی زنان، نظام «خانواده یا خانوار» است. بر اساس ایدئولوژی حاکم بر نظام خانواده، خانواده به عنوان هسته اجتماع به طور «طبیعی» شکل گرفته است. این نوع نظام، امری جهان شمول بوده و تقسیم کار در آن نیز بر اساس طبیعت صورت پذیرفته است. تقسیم کاری که مرد را تأمین کننده امکانات اقتصادی و زن را تیماردار و تأمین کننده کار بی مزد خانگی می داند.

یکی دیگر از اندیشه پردازان فیمینیسم مارکسیستی خانم الکساندر کولنتای Aleksander Mikhailovna Kollontai (۱۸۷۲ – ۱۹۵۲) فیمینیست، انقلابی، سیاستمدار، اولین سفیر زن در جهان و عضو حزب کارگری شاخه بلشویک روسیه عمده ترین و بارز ترین نابرابری زنان را بقا و ادامه مالکیت خصوصی بیان میدارد. موصوف همچنان حسادت و احساس مالکیت جنسی را به عنوان آخرین نشانه های ذهنیت مالکیت خصوصی دانسته و تأکید میدارد تا این احساس مالکیت جنسی از جانب دولت ها قانوناً ممنوع قرار داده نشود آزادی زن از قید اسارت جامعه مرد سالار میسر و ممکن نیست.

بنابراین فیمینیست های مارکسیست با انتباه از تیوری های فوق لیه بُران مبارزه شانرا برای امحای سیستم های طبقاتی جوامع معطوف داشته آزادی جامعه را از طبقات برابر با آزادی زنان از حاکمیت مرد سالار میپندارند. همچنان همانطوریکه در نگرش های مارکسیسم طرح های رادیکال مبنی بر اینکه تفکر انسان محصول تعاملات اجتماعی در بستر تضاد های طبقاتی میباشد و شکل گیری اندیشه ها، عمل ها و عکس العمل ها و رفتار انسانی را محصول این تضاد ها میدانند. یعنی در این نگرش جایی به خلاقیت ذهنی و استعداد های انسانی نمی ماند. که فیمینیست های مارکسیست بیشتر بر این پایه تأکید داشته اند.

در شرایط کنونی محور اساسی فعالیت فیمینیست های مارکسیست را امحای سیستم سرمایه داری، رهایی از عقاید و ایدئولوژی های بقول خودشان منحنی که باعث فرودست ساختن زنان مطرح و نهادینه شده است، مشارکت زنان در امور تولید و استقلال کامل اقتصادی زنان تشکیل میدهد. این فیمینیست ها همچنان به الغای روابط تک همسری معتقد بوده و آن را برای سلامتی انسان بهتر می دانند. همچنین اعتقاد دارد که رابطه جنسی را نباید جدی گرفت چرا که رابطه جنسی همانند تشنگی است که صرف باید ارضا شود.